



گزارش تفصیلی از کارگاه «جریان‌شناسی اهل سنت ایران»

سید بهنام منافی ✓





تمدنی و مدیریتی برای کشور دانست. ایشان خاطرنشان کرد که نگاه ساده‌انگارانه و سطحی به جامعه اهل سنت، که آن‌ها را گروه‌هایی یکدست و بدون گوناگونی فکری می‌پندارند، می‌تواند به خطاها و لغزش‌های جبران‌ناپذیری در سطح مدیریت فرهنگی و حتی امنیت ملی بینجامد. وی با اشاره به اینکه مخاطبان این کارگاه، امامان جمعه و فعالان عرصه‌های فرهنگی هستند، هدف اصلی بحث را ارائه یک جریان‌شناسی اجمالی و در عین حال، شناختی دقیق از اهل سنت ایران معرفی کرد تا شرکت‌کنندگان به ابزاری برای شناخت و مواجهه درست با این جامعه دست پیدا کنند.

وی تأکید کرد که آشنایی با اهل سنت ایران، یک بایستگی در زمینه‌های راهبردی و تمدنی و حوزه مدیریت فرهنگی است و به‌ویژه برای دانش‌پژوهان امامت یک ضرورت برای بالابردن زمینه کارآمدی نهاد نماز جمعه است.

کارگاه آموزشی با موضوع «جریان‌شناسی و ضرورت شناخت دقیق اهل سنت ایران» با هدف روشن‌ساختن پیچیدگی‌های شناختی در زمینه‌های فکری، عقیدتی و فقهی جامعه اهل سنت و ارائه راهبردهای مدیریتی برای فعالان عرصه‌های فرهنگی و امامان جمعه برگزار گردید. در این نشست تخصصی، کارشناس کارگاه جناب آقای قاسمی، معاون پژوهش دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت، به بررسی لایه‌های گوناگون هویتی اهل سنت ایران، خطاها و لغزش‌های رایج در مواجهه با آنان و اهمیت و بایستگی شناخت ژرف این جریان‌ها برای نگاهداشت انسجام ملی و پیشبرد هدف‌های تمدنی پرداخت.

پیشگفتاری در بایستگی شناخت اهل سنت

در ابتدا، استاد قاسمی به اهمیت و بایستگی پرداختن به موضوع اهل سنت ایران اشاره کرده و این بحث را نیازی راهبردی،

لایه دوم و مهم‌تر را شناخت جریان عقیدتی معرّفی کرد. ایشان بیان داشت که دو جریان اصلی کلامی در میان اهل سنت، اشاعره و مائزیدیه هستند که هر دو در اصول اعتقادی با یکدیگر نزدیکی دارند و در برابر جریان‌های غالبانه و افراطی قرار می‌گیرند. وی سپس افزود: فردی که از نظرگاه فقهی حنفی است، در عقیده مائزیدی خواهد بود و فردی هم که از نگاه فقهی شافعی است، از نظر عقیدتی اشعری می‌شود؛ اما نکته کلیدی که سخنران بر آن تأکید کرد، پدیداری جریان‌های عقیدتی دیگری مانند سلفی‌گری و وهابیت است که با مبانی کلامی اشاعره و مائزیدیه در تضاد هستند. وی با ذکر مثالی توضیح داد که ممکن است شما با فردی روبه‌رو شوید که در ظاهر خود را حنفی معرّفی می‌کند، اما در لایه عقیدتی خود، تحت تأثیر اندیشه‌های وهابی قرار گرفته باشد. اینجاست که صرف شناخت فقهی فرد، ما را به خطا می‌اندازد. این تمایز عقیدتی، در مسائلی مانند نگاه به جبهه مقاومت، تکفیر و وحدت اسلامی، خود را آشکارا نمایان می‌سازد.

۳. لایه سلوکی و عارفانه‌های صوفیانه؛ عمق ارتباط‌های اجتماعی

سومین لایه مورد بحث، جریان‌های صوفیانه و طریقت‌های عرفانی است. استاد قاسمی توضیح داد که در بسیاری از منطقه‌های سنی‌نشین ایران؛ به‌ویژه در گوردستان، طریقت‌های صوفیانه مانند: «قادرته و نقشبندیّه» نفوذ عمیقی دارند. این طریقت‌ها، شبکه‌های قدرتمندی از رابطه‌های مريدومرادی ایجاد کرده‌اند که تأثیر آن گاه از ساختارهای رسمی دینی نیز فراتر می‌رود، به طور مثال شما در گوردستان می‌بینید که نفوذ یک شیخ طریقت از نفوذ یک عالم رسمی یا حتی امام‌جمعه اهل سنت بیشتر است. بنابراین، نادیده‌گرفتن این لایه شناختی و عدم شناخت مشایخ صوفیه و طریقت‌های

استاد قاسمی همچنین افزود که این شناخت فقط محدود به دانستن مذهب‌های فقهی چهارگانه (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) نیست، بلکه لایه‌های عمیق‌تری از جمله جریان‌های عقیدتی (اشعری و مائزیدی) و گرایش‌های عرفانی و صوفیانه را نیز در بر می‌گیرد که هر یک تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویت و کنش‌های اجتماعی آنان دارد.

بخش اول: لایه‌های هویتی و گوناگونی‌های درونی اهل سنت

کارشناس نشست در این بخش از سخنان خود، به توضیح لایه‌های گوناگون شناختی پرداخت که هویت یک فرد یا گروه از اهل سنت را تشکیل می‌دهد و تأکید کرد که تحلیل هر پدیده وابسته به اهل سنت، بدون در نظر گرفتن این سه لایه، تحلیلی ناقص و گمراه‌کننده خواهد بود.

۱. لایه فقهی؛ پوسته نخستین شناخت

ایشان اولین و سطحی‌ترین لایه شناختی را شناخت جریان فقهی دانستند و فرمودند: اینکه ما بدانیم یک سنی شافعی است یا حنفی، این نخستین لایه شناختی ماست؛ اما این لایه به تنهایی کافی نیست؛ چون گرچه مذهب‌های فقهی چهارگانه اهل سنت دارای اشتراک‌های فراوانی هستند؛ تفاوت‌های آن‌ها در منطقه‌های گوناگون ایران، مانند گوردستان (بیشتر آنان شافعی مذهب) یا سیستان و بلوچستان و ترکمن‌صحرا (بیشتر آنان حنفی مذهب) بر شیوه واکنش‌های اجتماعی و دینی آنان اثر می‌گذارد. و البته باید توجه داشت که توقف در این لایه، خطای راهبردی بزرگی است.

۲. لایه عقیدتی؛ هسته اصلی باورها

معاون پژوهش دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی مدارس علوم دینی اهل سنت،

در پوشش عنوان‌های موّجه است. ایشان با ذکر مثالی هشدار داد: اینکه یک نفر می‌گوید: «من حنفی هستم»، نباید به سادگی از کنار آن بگذریم، باید بررسی کنیم که آیا این فرد، حنفی دیوبندی است یا حنفی بریلوی؟ آیا در عقیده، تأثیری است یا گرایش‌های سلفی دارد؟ عدم تفکیک میان این جریان‌ها می‌تواند باعث شود که یک فرد با باورهای افراطی و ضدتقریبی در یک پُست حساس فرهنگی یا دینی قرار گیرد و خسارت‌های بلندمدتی به بار آورد. وی افزود: گاهی یک انتصاب اشتباه، محصول همین عدم شناخت دقیق است و می‌تواند یک منطقه را برای سال‌ها دچار چالش کند.

بخش سوم: ارائه راهکار؛ به سوی مدیریتی هوشمندانه و مبتنی بر شناخت

کارشناس نشست پس از تبیین لایه‌های هویتی و آسیب‌شناسی رویکردهای موجود، راهکار اصلی را حرکت به سوی «مدیریت هوشمندانه مبتنی بر جریان‌شناسی دقیق» دانست. وی تأکید کرد که امامان جمعه و مدیران فرهنگی در منطقه‌های تلفیقی باید به نقشه جامع جریان‌های فکری، عقیدتی و اجتماعی منطقه خود آشنا باشند، مثلاً به هنگام مواجهه با یک عالم یا فعال اهل سنت باید این پرسش‌ها را از خود بپرسیم:

- از نظر فقهی به کدام مذهب تعلق دارد؟
- از نظر کلامی و عقیدتی، پیرو کدام جریان (اشعری، ماتریدی و سلفی) است؟
- آیا به طریقت‌های صوفیانه هم گرایش دارد یا مخالف تصوّف است؟
- دیدگاه‌های او در برابر گزاره‌های کلان دنیای اسلام، مانند: جبهه مقاومت، مسئله فلسطین و وحدت شیعه و سنی چیست؟

سلوکی و عرفانی در منطقه‌های سنی‌نشین، به معنای نادیده‌گرفتن یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذار بر جامعه اهل سنت است.

بخش دوم: آسیب‌شناسی مواجهه؛ دو خطای بزرگ مدیریت فرهنگی

استاد قاسمی در ادامه، به تحلیل دو رویکرد اشتباه و آسیب‌زا در برخورد با جامعه اهل سنت پرداخت که ناشی از همان شناخت سطحی و ناقص است. آن دو رویکرد به شرح ذیل است:

۱. خطای سخت‌گیری افراطی و بدبینی مطلق

ایشان رویکرد اول را نگاهی افراطی و سخت‌گیرانه دانسته که همه اهل سنت را با یک چشم می‌بیند و با برچسب‌هایی مانند وهابی-سلفی یا دشمن، راه هرگونه ارتباط و گفت‌وگو را می‌بندد. این نگاه، به گفته ایشان، نه تنها با استراتژی نظام جمهوری اسلامی در زمینه وحدت اسلامی در تضاد است، بلکه سبب آن می‌شود که نیروهای معتدل و همراه با انقلاب در جامعه اهل سنت نیز به حاشیه رانده شوند و میدان به دست جریان‌های تندرو بیفتد.

اینکه ما همه را با یک چوب برانیم و فکر کنیم جملگی اهل سنت، وهابی و سلفی هستند، این یک خطای بزرگ است که می‌تواند به انسجام ملی ما لطمه بزند.

۲. خطای ساده‌اندیشی و خوش‌بینی بی‌اساس

رویکرد اشتباه دوم، ساده‌اندیشی و عدم تشخیص جریان‌های مسأله‌دار و مشکل‌ساز



تحلیل واقع‌بینانه از راه شناخت لایه‌های فقهی چهارگانه، عقیدتی و اجتماعی، تنها راه مدیریت مؤثر و تقویت همبستگی ملی در منطقه‌های تلفیقی است.

مهم‌ترین یافته این نشست آن بود که کارآمدی نهادهایی همچون ستاد نماز جمعه در مناطق سنی‌نشین، ارتباط مستقیمی با میزان شناخت امام جمعه از نقشه فکری و فرهنگی آن سامان دارد. این شناخت به او اجازه می‌دهد تا با جریان‌های معتدل و تقریبی همکاری کرده و در برابر نفوذ اندیشه‌ها و گرایش‌های افراطی و تکفیری - سلفی‌ایستادگی کند و پیام وحدت‌بخش انقلاب اسلامی را به شکلی مؤثرتر به گوش مردمان برساند.

در نهایت، این کارگاه پیامی روشن برای همه فعالان فرهنگی داشت: برای ساختن یک تمدن نوین اسلامی و نگاهداشت انسجام ملی، راهی به جز شناخت عمیق، دقیق و عالمانه یکدیگر نداریم. پس مسأله «شناخت» را دست کم و کوچک نشماریم.

• شبکه ارتباطی او با کدام شخصیت‌ها و جریان‌های داخلی و خارجی است؟ پاسخ به این پرسش‌های مهم، نمایی آشکار از فرد مقابل به دست ما می‌دهد و به مدیران ما توان آن را می‌دهد تا استراتژی مناسب و درخوری برای ارتباط‌گیری، همکاری یا مهار آن فرد اتخاذ کنند. وقتی ما این لایه‌ها را شناختیم، آنگاه می‌توانیم دوست را از دشمن و جریان معتدل را از جریان افراطی تمییز دهیم و بر اساس آن برنامه‌ریزی کنیم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این کارگاه آموزشی با تأکید بر این نکته کلیدی پایان یافت که جامعه اهل سنت ایران، یک مجموعه گوناگون، پیچیده و چندلایه است و هرگونه سیاستگذاری و مدیریت فرهنگی در قبال آن، بدون مجهز شدن به ابزار جریان‌شناسانه دقیق، محکوم به شکست است. سخنان کارشناس محترم نشان داد که عبور از نگاه‌های صفر و صدی (خوش‌بینی مطلق و بدبینی مطلق) و رسیدن به یک

